



توراه اور • پاراشاها מקץ • مامار 1

ויהי מקץ שנתים ימים ופרעה חולם וגו'

«و چنین شد که در پایانِ دو سالِ
کامل، فرعون خواب می دید»



تقديم به افتخارِ

מוקדש לכבוד הגאון המקובל רבי לוי יצחק שניאורסאהן זצ"ל

پدر ربّه، رب لیوی ییتسחק

LikuteiTorah.com



پاراشای حسیدی

/likuteitorah.com/fa/torah-ohr/mikeitz/1

1 **ויהי מקץ שנתים ימים ופרעה חולם וגו'. הנה פ' זו מחוברת לפרשה שלפניה ולא זכר שר המשקים את יוסף וגו'.**

«و چنین شد که در پایان دو سال روزها، فرعون خواب می‌دید»، و غیره. اکنون این پاراشا به پاراشای پیش از خود پیوسته است: «اما رئیس ساقیان یوسف (یوسف) را به یاد نیاورد»، و غیره.

כי מפני שלא זכר נתהוה ויהי מקץ. וביאור הענין כי כמו שיש פרעה ושר המשקים בקליפה כך זלעז"ז [זה לעומת זה] עשה אלקים שכמו"כ [שכמו כן] בסט' [בסטרא] דקדושה יש ג"כ בחי' אלו:

زیرا چون او به یاد نیاورد، «و چنین شد که در پایان...» رخ داد. شرح مطلب چنین است: همان‌گونه که در پوسته (کلیפה, kelipah) فرعون و رئیس ساقیان هستند، به همان ترتیب، «**אלקים**» یکی را در برابر دیگری آفرید، و ازاین‌رو در ساحت قداست نیز چنین مرتبه‌هایی وجود دارند.

2 **והנה יש ד' יסודות בנפש האדם ארמ"ע [אש רוח מים עפר]. יסוד האש משכנו בלב. ומקור הליחות מהמוח ששם הוא משכן יסוד המים. והריאה שואבת כל מיני משקה וליחות מהמוח ע"י הקנה לקרר את חום הלב.**

اکنون، در نفیس انسان چهار عنصر وجود دارد: آتش، هوا، آب و خاک. عنصر آتش در قلب جای دارد. سرچشمهٔ رطوبت از مغز است، زیرا جایگاه عنصر آب آنجاست. و ریه‌ها هرگونه نوشیدنی و رطوبت را از مغز، از راه نای، فرومی‌کشند تا گرمای قلب را خنک کنند.

3 **וכך בנפש אלקית יסוד המים במוח היא בחי' חכמה ודעת בעבודת ה' במוחו ובמחשבתו.**
همین‌طور، در نفیس الهی (نפש האלקית, Nefesh Elohis)، عنصر آب در مغز، مرتبه (بחינה, bechinah) حکمت (חכמה, Chochmah) و شناخت (دעת, Daas) در خدمتِ ه' است؛ در ذهن و اندیشهٔ او.

وَأَفْ كِي لِيْت مَحْشَبَة تَفِيْسَا بِيَه كَلَل. هَلَا كَتِيْب نُوْدَع بِشَعْرِيْم بَعْلَه كَل حَدْ لَفُوم شِيْعُورَا دِيْلِيَه.
و با آن‌که «هیچ اندیشه‌ای اصلاً نمی‌تواند او را دریابد»، مگر نوشته نشده است: «شوهرش در دروازه‌ها (שערים, she'arim) شناخته می‌شود»؛ هر کس به اندازهٔ خود (شיעور, shiur)؟

4 **והיינו להתבוננות בבחי' התפשטות גדולתו ית' למעלה עד אין קץ ולמטה עד אין תכלית**
یعنی تأمل در مرتبه / جنبه (بחינה, bechinah) گستردش عظمتِ او، تبارک و تعالی، در بالا بی‌پایان و در پایین بی‌حد است.

این עוד מלבדו כי ברוח פיו כל צבאם וכולא קמי' [קמיה] כלא חשיב. וכמו למשל דבורו של אדם שהוא בטל אליו ונחשב כאין נגדו.

«جز او هیچ چیز نیست»، زیرا «به دم دهانش، همه سپاهیان [پدید آمدند]» و همه در برابر او هیچ به شمار می آیند. برای نمونه و از راه تمثیل، این مانند سخن انسان است که در نسبت با او هیچ است و در مقایسه با او هیچ به شمار می آید.

5 وזה כל אדם לפום שיעורא דיליה יכול לדעת ולהשיג כי אין עוד בשמים ממעל וכל העליונים והתחתונים הם נמשכים מרוח פיו ית' ואין דבר חוץ ממנו.

و این را هر انسانی، به اندازه خود، می تواند بداند و دریابد: اینکه در آسمان های بالا هیچ موجود دیگری نیست، و همه موجودات بالا و پایین از دم دهان او - متبارک باد - سرچشمه می گیرند، و چیزی جدا از او وجود ندارد.

ולכן הם ממש כלא חשיבי קמיה ויסוד האש הוא הצמאון שבלב המבין בהתבוננות בגדולתו ית' ואין ממש כולא קמיה כלא חשיבי.

ازاین رو، آنان در حقیقت در برابر او هیچ به شمار می آیند. و عنصر آتش، عطشی است در دل کسی که با تأمل در عظمت او - متبارک باد - درمی یابد که چگونه همه چیز در حقیقت در برابر او هیچ به شمار می آید.

6 ולזאת כלתה נפשו אליו ית' באהבה עזה כרשפי אש שלהבת העולה מאליה להתכלל באור ה' ויחודו ית' ואינו חפץ להיות למטה כטבע אור האש שנמשך בטבעו מלמטה למ"ע [מלמטה למעלה].

ازاین رو جانش با عشقی سخت سوزان مشتاق اوست؛ عشقی همچون شراره های آتش، چون شعله ای که خودبه خود بالا می رود، تا در نور ه' و یگانگی او، مبارک باد او، مستغرق گردد. او نمی خواهد در پایین بماند؛ همانند طبیعت نور آتش که بنا بر سرشت خود از پایین به بالا کشیده می شود.

משא"כ בחינת המים הוא מלמעלה למטה שהמים יורדים ממקום גבוה למקום נמוך דהיינו שממשיך על נפשו אור ה' זו תורה ומצות להאיר על נפשו גם בהיותו למטה בבחי' בעל כרחך אתה חי כו'.

اما مرتبه آب چنین نیست؛ حرکت آب از بالا به پایین است، زیرا آب از مکانی بلند به مکانی پست فرومی آید. یعنی نور ه'، یعنی تورات (تורה، Torah) و فرمان ها (מצוות، mitzvot)، را به نفس خود فرومی آورد تا بر نفسش بتابد، حتی هنگامی که در پایین است؛ در حالت «به رغبت خواستت زنده ای» و مانند آن.

7 וכמו שהמים מכבין אש כך עי"ז ירוה צמאון נפשו כמ"ש הוי כל צמא לכו למים כמ"ש במ"א.

وهمان گونه که آب آتش را خاموش می‌کند، از این راه تشنگی جانش را فروخواهد نشاند؛ چنان‌که نوشته شده است: «هان، ای همه تشنگان، به سوی آب بیایید»؛ همان گونه که در جای دیگری توضیح داده شده است.

והיינו ע"י בחי' המחבר יסוד המים שבמות עם בחי' יסוד האש שבלב הוא הקנה.

یعنی از طریق مرتبه (בחینه, bechinah) ای که عنصر آب در مغز را به عنصر آتش در قلب پیوند می‌دهد؛ یعنی نای (קנה, kaneh).

והוא בחי' מקור אותיות התורה כמ"ש קנה חכמה קנה בינה ונק' בחי' זו שר המשקים שבו שואב הריאה משקה מליחות המוח מיסוד המים שבו:

این مرتبه، خاستگاه حروفِ تورات است؛ چنان‌که نوشته شده است: «حکمت را به‌دست آور (קנה, kneh)، فهم را به‌دست آور.» و این مرتبه «ساقی‌باشی» (שר המשקים, sar ha-mashkim) نامیده می‌شود، زیرا ریه‌ها از طریق آن نوشیدنی (משקה, mashkeh) را از رطوبت مغز، از عنصر آبِ درونِ آن، می‌کشند.

8 וזהו ענין החלום של שר המשקים והנה גפן לפני וגו' ואשחט את הענבים וגו' ואתן את הכוס על כף פרעה. פי' גפן נק' כנס"י [כנסת ישראל] שהיא כללות כל נשמות ישראל.

این است معنای خوابِ رئیس ساقیان: «اینک تاکی پیش روی من بود»، و جز این؛ «و خوشه‌های انگور را فشردم»، و جز این؛ «و جام را بر کف دستِ فرعون نهادم.» توضیح: تاک نامی است برای جماعت اسرائیل، که بیانگرِ کلیت / مجموع (כללות, klalus) همه نفوس اسرائیل است.

9 והענבים הם ניצוצי נשמות שכל ניצוץ נק' בשם ענב אחד כי בכל ניצוץ יש בחי' יין המשמח אלהים ואנשים שהוא בחי' אהבה מסותרת לשמות בה' והיא ירושה לנו מאבותינו

و انگورها جرقه‌های نفوس‌اند؛ زیرا هر جرقه «یک دانه انگور» نامیده می‌شود، چراکه در هر جرقه مرتبه‌ای (בחینه, bechinah) از «شرابی که اלקים و آدمیان را شاد می‌کند» وجود دارد؛ و آن همان مرتبه عشق نهفته‌ای است که به واسطه‌اش در ه' شادمان می‌شویم. این عشق میراثی است که از پدرانمان به ما رسیده است.

אלא שהיא מסותרת מאד כמו יין הנטמן בענבים שהענב הוא עגול וחלק ומקיף אותו מכל צד

اما این عشق بسیار نهفته است، همچون شرابی که درون انگورها پنهان شده باشد؛ زیرا انگور گرد و صاف است و از هر سو آن را دربرمی‌گیرد.

וא"א להוציא ממנו יין כ"א ע"י סחיטה ודריכה בגת להסיר מעליו הקליפה הסובבת אותו. כך א"א לגלות מצפוני האהבה כ"א ע"י בחי' מבטשים.

و نمی‌توان از آن شراب بیرون آورد، مگر با فشردن و لگد مال کردن انگورها در چرخشت، تا پوسته‌ای را که آن را دربر گرفته از آن جدا کنند. به همین‌سان، آشکار کردن نهانگاه‌های عشق ممکن نیست، مگر از راه مرتبهٔ درهم‌کوبیدن.

10 והוי שפל רוח בפני כל אדם ולא שישפילוהו אחרים כ"א והוי שפל רוח הוי בעצמך ונפשי כעפר לכל תהי' [תהיה] כאסקופה הנדרסת כדי להסיר קליפת ערלה החופפת על הלב

«و در برابر هر انسانی فروتن دل باش»: نه آن‌که دیگران او را خوار کنند، بلکه «فروتن دل باش»: خودت چنین باش؛ و «جانم در برابر همگان همچون خاک باشد»، مانند آستانه‌ای که زیر پا لگد مال می‌شود، تا پوستهٔ ختنه‌گاه را که بر قلب پوشانده شده است برطرف کند.

דהיינו אפילו מי שלא פגם ונטמא בח"נ [בחטאות נעורים] ממש מ"מ צריך הוא למול ערלת לבו כמ"ש ומלתם את ערלת לבבכם דהיינו מה שלבו בוער ומתאוה למותרות.

یعنی حتی کسی که در عمل [خود را] لکه‌دار نکرده و بر اثر گناهان جوانی آلوده نشده است، باین‌حال باید پوستِ ختنه‌گاهِ قلبش را ختنه کند؛ چنان‌که نوشته شده است: «پوستِ ختنه‌گاهِ قلبتان را ختنه کنید»: یعنی [این واقعیت] که قلبش برای امور زائد می‌سوزد و به آن‌ها اشتیاق دارد.

11 ונק' בחי' ערלה החופפת ומכסה על גילוי אלהותו ית' בבחינת הסתר פנים וצריך הוא שלא יהיה בבחי' הסתר פנים ולא יהיה מסך מבדיל כלל ואפי' [ואפילו] קרום דק שהוא בחינת עור הפריעה.

این، مرتبهٔ پوستِ ختنه‌گاه (bechinah, **بחינה**) نامیده می‌شود که تجلّی الوهیتِ او، تعالی، را می‌پوشاند و پنهان می‌کند؛ در حالتِ پنهان‌ماندنِ چهره. و او نباید در حالتِ پنهان‌ماندنِ چهره باشد و اصلاً نباید هیچ پردهٔ جداکننده‌ای وجود داشته باشد؛ حتی نه غشایی نازک، که مرتبهٔ پوستِ پریعه (peri'ah, **پریעה**) است.

12 ועי"כ [ועל ידי כך] وאתן את הכוס על כף פרעה. כמ"ש על כפים חקותיך. וכתיב על כפים כסה اور. ויצו עליו במפגיע זו תפלה

و از این‌رو: «جام را بر کف (kaf, **כף**) فرعون (פרעה) نهادم»؛ چنان‌که نوشته شده است: «بر کف‌های [من] تو را حک کرده‌ام.» و نیز آمده است: «با کف‌ها نور را می‌پوشاند و دربارهٔ کسی که به درگاهش التجا می‌کند (مفגיע, mafgia) فرمان می‌دهد»؛ این همان دعاست.

כי בחי' פרעה בקדושה זלע"ז [זה לעומת זה] כמו שפרעה בקליפה הוא קליפה קשה. כך זלע"ז [זה לעומת זה] פרעה בקדושה הוא בחי' גילוי אלהותו ית' לשון פריעה

זیرا مرتبه (בחינה, bechinah) فرعون در قداست، در تقابل با سوي مقابل است: همانگونه که فرعون در قلمرو پوسته (קליפה, kelipah) پوسته‌ای سخت است، به همین قیاس، فرعون (פרעה, Par'oh) در قداست مرتبه آشکارشدن الوهیت ה'، متبارک باد، است؛ نام او از واژه «گشودگی» (פריעה, peri'ah) [به معنای کنارزدن پوشش] گرفته شده است.

והתגלות דבר ה' ע"י בחי' שר המשקים שהוא בחי' קנה שהקול מעורר הכוונה לשמוח בה' בתפלתו.
و آشکارشدن کلام ה' [از] طریق مرتبه رئیس ساقیان حاصل می‌شود؛ این مرتبه همان نای است، زیرا صدا نیت شادمانی در ה' را در دعای شخص برمی‌انگیزد.

וזהו ואתן את הכוס כי בחי' קנה הנ"ל הוא המוליך התעוררות האהבה למעלה מעלה מהשגת בני אדם:
این همان «و جام را نهادم» است، زیرا مرتبه نای که پیش‌تر یاد شد، برانگیختگی عشق را به بالا، بالاتر و بالاتر، فراتر از درک آدمیان می‌برد.

13 אך בחי' יין המשמח הנ"ל לא כל אדם זוכה לזה רק ישרי לב כמ"ש ולישרי לב שמחה דהיינו מי שהלך בדרך ישר כל ימיו.

بااین‌حال، هر کسی به مرتبه شراب شادی بخش یادشده در بالا نائل نمی‌شود؛ تنها راست‌دلان به آن می‌رسند، چنان‌که نوشته شده است: «و برای راست‌دلان شادی است»؛ یعنی کسی که در تمام روزهای عمرش راهی راست پیموده باشد.

אבל מי שפגם דרכיו ונטמא בח"נ [בחטאות נעורים] א"א לו לשמוח בה' בתפלתו כי רבות מחשבות זרות מבלבלות אותו.

اما کسی که راه‌هایش را تباه کرده و بر اثر گناهان دوران جوانی آلوده شده است، نمی‌تواند در نمازش در ה' شادمان باشد؛ زیرا اندیشه‌های بیگانه بسیاری او را پریشان می‌کنند.

14 ולכן זאת העצה היעוצה כי יש עוד בחינת יין והוא בחי' יין המשכר. כמ"ש תנו שכר לאובד ויין למרי נפש ישתה וישכח רישו וגו'.

ازاین‌رو، این راهنمایی داده شده است: مرتبه دیگری از شراب نیز هست، یعنی مرتبه شراب مست‌کننده؛ چنان‌که نوشته شده است: «شراب قوی به کسی که رو به هلاکت است بده، و به تلخ‌جان شراب؛ بگذار بنوشد و تنگدستی‌اش را فراموش کند...»

וכמארז"ל [וכמאמר רבותינו זכרונם לברכה] **גבי הרוגי ב"ד** [בית דין] **שהיו משקיין אותו כוס יין קודם המיתה כדי שתטרף דעתו עליו כדי שיוכל לסבול צער המיתה**

و چنان‌که حکیمان ما، که یادشان گرامی باد، دربارهٔ کسانی که به حکم دادگاه اعدام می‌شدند گفته‌اند، به [محکوم] پیش از اعدام جامی شراب می‌دادند تا ذهنش آشفته شود و بتواند درد مرگ را تاب آورد.

ולכן בק"ש [בקריאת שמע] **שעל המטה ג"כ מי שרוצה לקבל עליו ד' מיתות ב"ד** [بیت دין] **כמ"ש בנוסח האריז"ל** [האר"י זכرونם לברכה] **אם פגמתי באות י' ונתחייבתי סקילה.**

ازاین‌رو، هنگام قرائت **שמע** پیش از خواب (קריאת **שמע** **שעל המטה**، Krias Shema al hamitah) نیز، کسی که می‌خواهد چهار مجازات اعدام دادگاه را بر خود بپذیرد، چنان‌که در متن دعای آریزال (**האריז"ל**) آمده است: «اگر حرف یود (י, yud) را معیوب کرده‌ام و مستوجب سنگسار شده‌ام»، [به این شراب نیاز دارد].

15 **وبפרט כשרואה בעצמו שלבו מטומטם בקרבו והיה לאבן זו היא בחי' סקילה שהוא חייב בודאי.**

به‌ویژه هنگامی که در خود می‌بیند دلش درون او بسته شده و چون سنگ گشته است: این مرتبهٔ سنگسار است (**בחינה**, bechinah)؛ و بی‌تردید سزاوار آن است.

וכן כשלבו בוער ומתאוה לדברים אסורים זו היא בחי' שריפה וכש"כ [וכל שכן] **אם יודע בעצמו שפגם ونטמא בח"נ** [בחטאות נעורים] **וכן כל חד לפום שיעורא דיליה כי ידע אינש בנפשיה.**

همچنین، هنگامی که دلش برای امور ممنوع شعله‌ور می‌شود و به آن‌ها میل می‌کند، این **بחינה** سوزاندن است؛ چه رسد به اینکه در خود بداند به‌سبب گناهان دوران جوانی دچار نقص شده و آلوده گشته است. و همین‌طور هرکس به اندازهٔ خود، زیرا انسان از نفس خویش آگاه است.

זאת היא עצה היעוצה שיוכל לקבל עליו ד' מיתות ב"ד [בیت دין] **בשלימות ישתה בחי' כוס יין הנ"ל.**

این است پندی که به او داده می‌شود تا بتواند چهار مجازات مرگ دادگاه را به‌طور کامل بر خود بپذیرد: از **بחינה** جام شراب یادشده در بالا بنوشد.

16 **והענין דהנה איתא בזוה"ק** [בזוהר הקדוש] **זכאי קשוט כל יומא מסתכלי בנפשיהו כאלו ההוא יומא מסתלקי מעלמא.**

توضیح مطلب این است: در زوهار مقدس (**זהר**) آمده است: «پاکان راستین هر روز خود را چنان می‌نگرند که گویی در همان روز از جهان رخت برمی‌بندند.»

ולכאורה אינו מובן כי זכאי הם צדיקים וזכאי קשוט הם יותר במעלה עליונה ואיך שיבח אותם במעלה ומדרגת יראת עונש לבד.

در نگاه نخست، این سخن فهمیده نمی‌شود؛ زیرا پاکان (זכאי، zakkai) همان **צדיקים (tzaddikim)** هستند، و پاکان راستین (زکאי קשוט، zakkai kshot) مرتبه‌ای بس والاتر دارند؛ پس چگونه آنان را به فضیلت و مرتبه صرفاً ترس از کیفر می‌ستایند؟

אלא הענין הוא כי אפי' [אפילו] צדיק גמור כשהולך לג"ע [לגן עדן] צריך טבילה בנהר די נור והטבילה הוא להעביר כח הזוכר מזה העולם. כי א"א לירש מקומו בג"ע [בגן עדן] כל זמן שזוכר אפי' [אפילו] מקצת דמקצת מעניני עוה"ז.

بلکه مطلب این است که حتی **צדיک کامل (tzaddik gamur)**، هنگامی که به بهشت (גן עדן، Gan Eden) می‌رود، باید در رود آتش فرو رود؛ و این فرو رفتن برای زدودن نیروی یادآوری این جهان است. زیرا تا زمانی که کسی حتی کوچک‌ترین سهمی از امور این جهان را به یاد می‌آورد، ناممکن است جایگاه خود را در بهشت به ارث ببرد.

17 **וכן כשהולך מחיל אל חיל מדי חדש בחדשו ומדי שבת בשבתו יבא כל בשר להשתחוות לפני וגו' צריך עוד טבילה בנהר די נור אחר לשכות גם ההשגה שהשיג בג"ע [בגן עדן] התחתון ועליון.**

همچنین، هنگامی که او «از نیرو به نیرو» می‌رود، [چنان‌که نوشته شده است،] «از ماه نو تا ماه نو و از روز شبات (שבת، Shabbos) تا روز شبات، همه بشر خواهند آمد تا در برابر من سجده کنند»، و غیره، به غوطه‌وری دیگری در رود آتش دیگری نیاز دارد تا حتی فهمی را که در بهشت فرودین و برین به دست آورده بود از یاد ببرد.

וזאת ישימ האדם אל לבו כי הנה ענין ג"ע [גן עדן] הוא שנהנין מזיו השכינה ואין זה אלא זיו כו' و انسان این نکته را به دل بسپارد: حقیقت بهشت (ג"ע، Gan Eden) این است که [ارواح] از تابش **שכינה بهره‌مند می‌شوند، و این تنها تابشی است، و غیره.**

ומה אם לא בא אלא ליהנות מזיו השכינה צריך הוא להסיר כח הזוכר מהעוה"ז. הבא לדבקה בו ית' ע"י תורה ותפלה על אחת כמה וכמה.

پس اگر کسی که تنها برای بهره‌مندی از تابش **שכינה** می‌آید باید نیروی به‌یادآوردن این جهان را از خود بزداید، آن‌گاه کسی که از راه تورا (تורה، Torah) و دعا به او، که متبارک است، می‌پیوندد، به‌مراتب بیشتر باید چنین کند!

(וזהו כוונת הזוהר מסתכלי בנפשיהו כו' להסיר כח הזוכר מעניני עוה"ז כדי לדבקה בו ית' בתורה ותפלה).

(و این است مقصود زوهار (זהר, the Zohar) از عبارت «به خود می‌نگرند»، و غیره: اینکه نیروی به‌یادآوردن امور این جهان را کنار بگذارند تا در تورا و دعا به او، که متبارک است، بپیوندند.)

והנה יש בחי' נהר די נור אחר למטה הנעשה מזיעתן של חיות הקדש. פי' חיות הקדש היא אהבה עליונה בבחינת יין המשמח.

اکنون، در مرتبه‌ای فروتر، رود آتش دیگری نیز هست که از عرق فرشتگان حامل ارابه الهی (حיות הקדש, Chayos haKodesh) پدید می‌آید. توضیح آن‌که: موجودات قدسی حامل ارابه همان عشق برین‌اند، در مرتبه شراب شادی‌بخش.

וזיעתן הוא פסולת שלהן שבהשתלשלות האהבה למקום נמוך מאד נעשה שמרים وפסולת بیریدتن לעוה"ז החומרי.

و عرق آنان پس‌مانده ایشان است: هنگامی که عشق، مرتبه‌به‌مرتبه، به مکانی بسیار پست فرود می‌آید، در فرودش به این جهان مادی به دُرد و پس‌مانده بدل می‌شود.

18 و זאת ישیم האדם אל לבו בחי' הירידה איך שירד מטה מטה מאד ויתמרמר לבו מאד

و انسان باید این را به دل بسپارد: جنبه نزول (بחינה, bechinah)، اینکه چگونه بسیار، بسیار پایین فرود آمده است؛ و دلش بسیار تلخ گردد.

ויצעק אל ה' בצר לו כמ"ש צעק לבם אל ادני. עד שיצא מדעתו. פי' מדעתו ומחשבתו שהיה קשור בה כל היום.

و بگذارد در تنگنای خویش به ه' فریاد برآورد، چنان‌که نوشته شده است: «دلشان به ه' فریاد برآورد»، تا آنجا که از ذهن خویش بیرون رود. توضیح: از ذهن و اندیشه خویش بیرون رود؛ همان ذهن و اندیشه‌ای که تمام روز به آن بسته بود.

19 ויתקע מחשבתו בחוזק בעומק במרירות נפשו עד שיסיר כח הזוכר מעניניו ומעסקיו. וזהו בחי' יין

המשכר וישתה וישכח רישו ועל ידי זה יוכל להתפלל ולומר ברוך אתה לנוכח מעומקא דלבא.

و اندیشه خود را با استواری و ژرفا در تلخی جان خویش متمرکز کند، تا نیروی یادآوری امور و مشغله‌هایش را از میان ببرد. این همان مرتبه (بחינה, bechinah) از شراب مست‌کننده است: «بنوشد و تنگدستی خویش را از یاد ببرد.» و از این راه می‌تواند دعا کند و از ژرفای دل بگوید: «متبارک هستی»؛ با خطاب مستقیم.

כי ענין המרירות הוא על העבר כי מר נפשו על הסתר פניו ית' כי אילו היה גילוי אלהותו ית' עכ"פ [על כל פנים] **כמורא בשר ודם. כמאמר רבן יוחנן בן זכאי לתלמידיו הלואי שיהי' [שיהיה] מורא שמים עליכם וכו'.**

زیرا تلخی بر گذشته است: جان او از پنهان ماندن روی او، که متبارک است، تلخ می‌شود؛ زیرا اگر دست‌کم جلوه‌ای از الوهیتِ ه'، که متبارک است، به اندازه هیبت انسان از انسان آشکار می‌شد! چنان‌که رَبان یوحنا بن زَگای (ربن یוחנן بن זכאי) به شاگردانش گفت: «کاش هیبت آسمان بر شما بود» و الی آخر.

20 ולכן כשישוב אל ה' יבקש גילוי אלהותו ית' מעומקא דלבא וזהו ברוך אתה כו' וכל התפלות ובקשות הם מסודרים עד"ז.

بنابراین، هنگامی که به سویِ ه' باز می‌گردد، از ژرفای دل خواستار آشکار شدنِ الوهیتِ او - که متبارک باد - می‌شود؛ و این همان «مبارک هستی تو» و مانند آن است. همه دعاها و درخواست‌ها نیز بر همین اساس تنظیم شده‌اند.

וכן בקבלת מ"ש בק"ש [בקריאת שמע] באמת כי באמת רצונו וחפצו לדבקה בו ומר נפשו על ריחוקה מאור פני מלך

همچنین در پذیرش فرمانرواییِ آسمان در **קריאת שמע** (Shema؛ قرائتِ شما)، این پذیرش از روی حقیقت است؛ زیرا به‌راستی خواست و میل او این است که به او پیوند یابد، و جانش از دوری خود از نورِ چهره پادشاه تلخ‌کام است.

ואף כי באמת עדיין הוא רחוק מ"מ עכ"ז [עם כל זה] יש בחי' הבדלה מי הוא הרחוק כמ"ש במ"א.

و هرچند به‌راستی هنوز دور است، با این‌همه تمایزی هست [از این حیث که] چه کسی دور است، چنان‌که در جای دیگری توضیح داده شده است.

וגם בבחי' יין זה צריך מקודם הסחיטה לשום עצמו כשיריים במה שיעמיק במחשבתו ענין כל המעשים ודבורים ומחשבות שעברו עליו אשר לא לה' המה ויהיה שפל روح מאד:

و در این مرتبه از شراب نیز، پیش از فشردن، باید خود را چون باقیمانده‌ها سازد؛ بدین‌گونه که درباره همه کردارها، گفتارها و اندیشه‌هایی که از او گذشته و برای ه' نبوده‌اند ژرف بیندیشد، و بسیار فروتن‌دل باشد.

21 אך עוד אחת היא צריך לשית עצות בנפשו בב' בחי' יין הנ"ל והוא מארז"ל [מאמר רבותינו זכרונם לברכה] על וירא אלקים את האור כי טוב כי טוב הוא לגנוז.

اما نکته دیگری نیز هست: او باید درباره دو مرتبه شرابی که پیشتر یاد شد، در جان خویش چاره‌اندیشی کند. و این همان چیزی است که حکیمان ما، که یادشان مبارک باد، درباره «و اלקים نور را دید که نیکو بود» گفتند: «نیکو بود که آن را پنهان کنند.»

וביאר הענין כמ"ש בקשתי את שאהבה נפשי וגו' אחזתיו ולא ארפנו עד שהבאתיו אל בית אמי ואל חדר הורתי.

توضیح مطلب، چنان‌که نوشته شده است: «در پی آن‌که جانم دوست می‌دارد، گشتم» و الی آخر؛ «او را گرفتم و رهایش نکردم تا او را به خانه مادرم و به حجره آن‌که مرا در رحم داشت، آوردم.»

בית אמי זו תושב"כ [תורה שבכתב] חדר הורתי זו תושבע"פ [תורה שבעל פה] שהם בחי' כלים להכניס בתוכם גילוי אלהותו ית' בחי' כוס פרעה.

«خانه مادرم» توراتِ مکتوب است؛ «حجره آن‌که مرا در رحم داشت» توراتِ شفاهی است. این دو مرتبه ظرف‌هایی هستند که تجلّی الوهیتِ او، که متبارک است، در آنها جای می‌گیرد؛ یعنی مرتبه جام فرعون (فرעה).

22 וכמ"ש כוס ישועות אשא ואז מתקיים היין בתוכו משא"כ בבטול הכלים מסתלק האור כנודע.

چنان‌که نوشته شده است: «جام رهایی‌ها را برخوادم افراشت»؛ آن‌گاه شراب درون آن محفوظ می‌ماند. اما هنگامی که ظرف‌ها در کار نباشند، نور کناره می‌گیرد، چنان‌که معروف است.

ועוד יזכור לו ענין מעשיו שלא יהיה בשביל עצמו כ"א לעשות נח"ר [נחת רוח] לפניו ית' להיות מכון לשבתו להיות לו דירה בתחתונים

افزون بر این، باید به یاد داشته باشد که اعمالش برای خودش نباشد، بلکه برای آن باشد که در پیشگاه او، متبارک باد، خشنودی فراهم آورد و جایگاهی استوار برای سکونت او باشد؛ تا او سکونتگاهی در میانِ عوالمِ فرودین (دירה בתחתונים، dirah betachtonim) داشته باشد.

והיינו שיכין אורו בתוך אותיות התורה שהם כלים לאורו ית' וזהו בחי' יוסף פי' יוסף תענוג ונח"ר [ונחת רוח] לפניו ית'.

یعنی نورِ او را در حروفِ تورات قرار دهد؛ حروفی که ظرف‌هایی برای نورِ او، متبارک باد، هستند. و این همان مرتبه یوسف (یوسف) است؛ یعنی «خواهد افزود» (یوسف، yosif): لذت (تענוג، taanug) و خشنودی را در پیشگاه او، متبارک باد، می‌افزاید.

23 וזהו שאמר הכתוב ולא זכר שר המשקים את יוסף וישכחו ויהי מקץ

و این است آنچه آیه می‌گوید: «بالین‌حال، رئیس ساقیان یوسف (یوسف) را به یاد نیاورد و او را فراموش کرد. و چنین شد که در پایان.»

פי' כי ע"י ולא זכר בחי' יוסף שהוא להרבות תענוג לפניו ית' נתהוה עי"ז ויהי מקץ לשון סוף ותכלה לבחי' שנתים ימים

یعنی، از رهگذر «به یاد نیاوردن» مرتبه یوسف (بחינה، bechinah)، که عبارت است از افزودن لذت (تענוג، taanug) در پیشگاه ه'، که متبارک است، از این رهگذر «و چنین شد که در پایان» پدید آمد؛ واژه «پایان» (مקץ، miketz) بر پایان و توقف دلالت دارد، و این در مرتبه «دو سال روزها» است.

פי' שיכלה ח"ו [חס ושלום] אצלו בחי' התורה שהיא בחי' שנתים ימים כמ"ש ואהיה שעשועים יום יום אלפים שנה קדמה התורה לעולם.

یعنی، حاشا که مرتبه توره برای او پایان پذیرد؛ این همان مرتبه «دو سال روزها» است، چنان‌که نوشته شده است: «و من مایه سرور [او] روز [به] روز (يوم يوم، yom yom) بودم»: توره دو هزار سال پیش از جهان قرار داشت.

24 והיינו כמ"ש בתיקונים חכים ולא בחכמה ידיעא מבין ולא בבינה ידיעא בחי' חכמה תשב"כ [תורה שבכתב]

בחי' בינה תשב"כ [תורה שבעל פה]

و این همان است که در تیکونیم (תיקונים) نوشته شده است: «حکیم است، اما نه به حکمتی که شناخته شود؛ می‌فهمد، اما نه به فهمی که شناخته شود.» مرتبه حکمت (חכמה، Chochmah) تورات مکتوب است؛ مرتبه فهم (בינה، Binah) تورات شفاهی است.

כי מחמת שכוונתו בשביל עצמו אינו חושש לגנוז האור בכלי ודי לו בהתגלות האור לבד בתפלה.

زیرا چون نیت او برای خودش است، دغدغه‌ای ندارد که نور را در ظرفی نهان سازد، و تنها آشکارشدن نور در دعا برای او بسنده است.

אך במשך הזמן נעשה ופרעה חולם פי' שאפילו בחי' התגלות בחי' יין הנ"ל שיש לו אינן אמתיים כ"א דרך דמיון וחלום שגורם הסתלקות האור כו'.

اما با گذشت زمان، «و فرعون خواب می‌دید» پدید می‌آید؛ یعنی حتی آشکارشدن مرتبه شراب یادشده در بالا که او دارد، واقعی نیست، بلکه تنها به صورت پندار و خواب است؛ و این موجب رفتن نور می‌شود و مانند آن.

25 ולכן נופל לבחינת מדות שהמדות הן נרגשות בנפשו שבע פרות הטובות כו' ומיד עולות אחריהן שבע

פרות אחרות ותאכלנה כו'

پس به مرتبه [bechinah] [بחינה] صفات عاطفی (مדות, middos) فرومی‌افتد، زیرا صفات در نفس او احساس می‌شوند: «هفت گاو نیکو» و مانند آن؛ و بی‌درنگ پس از آن‌ها «هفت گاو دیگر» برمی‌آیند و «آن‌ها را می‌خورند» و مانند آن.

ולא נודע כי באו אל קרבנה פי' שנסתלק ונתעלם האור כ"כ [כל כך] עד שנדמה לו כאלו לא התפלל מעולם.

«و دانسته نشد که به درونشان آمده بودند؛ یعنی نور چنان رفته و پنهان شده است که به نظرش می‌آید گویی هرگز نیایش نکرده است.

משא"כ בבחי' יוסף שהוא מוסיף ומרבה תענוג ונח"ר [ונחת רוח] לפניו ית' להיות מכון לשבתו ולהיות לו דירה בתחתונים

اما در مرتبه یوسف (یوسف) چنین نیست؛ او لذت و خرسندی را در پیشگاه او، که متبارک است، می‌افزاید و فزونی می‌بخشد، تا جایگاهی استوار برای سکونت او باشد و او سکونتگاهی در میان عوالم فرودین (دירה בתחתונים, dirah betachtonim) داشته باشد.

ואז אין המדות נרגשות בנפשו כלל לא שבע פרות הטובות כו' ומכש"כ [ומכל שכן] שאין רע יורד מלמעלה רק טוב גנוז בתוכו:

آن‌گاه صفات اصلاً در نفس او احساس نمی‌شوند؛ نه [حتی] «هفت گاو نیکو» و مانند آن، و به طریق اولی [گاوه‌ای بد را نیز احساس نمی‌کند]؛ زیرا هیچ بدی‌ای از بالا فرود نمی‌آید، بلکه تنها نیکی‌ای در درون آن پنهان است.



دربارهٔ این نسخه

.the English translation و This edition contains the Hebrew text

The Hebrew text of Torah Ohr: © Kehot Publication Society, via Sefaria, CC BY-NC 4.0; formatting adapted.

.Our English translation, made from the Hebrew without Kehot's notes: CC BY-NC 4.0

This edition as a whole: CC BY-NC 4.0. Shuls, schools and non-profit projects may copy, print and share it freely, and may ask for donations to cover the cost of printing; it may never be sold. Credit Kehot Publication Society and likuteitorah.com. <https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0>

ترجمه و شرح انگلیسی: با کمک هوش مصنوعی (openai/gpt-6-luna-pro:batch) برای likuteitorah.com تهیه شده و با متن عبری و سفاریا مقابله شده است؛ هنوز ویراستار انسانی آن را بازبینی نکرده است. لطفاً هر مطلب مهمی را با متن عبری مقابله کنید.

ربه خواست که ماماریم پارشای آن هفته، «پارشای حسیدی»، در همان هفته و در طول هفت روز آن آموخته شوند (Sichah of Shabbos Parshas Vayakhel 5725 · Toras Menachem vol. 42, pp. 306–309 /parsha). چرا آن را بیاموزیم و برکات ربه: likuteitorah.com/about/the-chassidishe-parsha

پروژه‌ای رایگان و غیرتجاری؛ هیچ‌چیز در اینجا فروخته نمی‌شود. وابسته به Kehot, Sefaria یا کتابخانهٔ لوباوویچ نیست. © likuteitorah.com

[/likuteitorah.com/fa/torah-ohr/mikeitz/1](https://likuteitorah.com/fa/torah-ohr/mikeitz/1) از 1

تقدیم به افتخار

מוקדש לכבוד הגאון המקובל רבי לוי יצחק שניאורסאהן זצ"ל

پدر ربه، رب لیوی بیتسخاک